

# درانتهای جهان درختی هست

---

هفتاوردها

---

بابک روشنی نژاد



## **- فهرست -**

- یادداشت | ۱۰۰۹
- هفتاورد نخست / شهر آشوب | ۱۰۱۱
- هفتاورد دوم / در انتهای جهان درختی هست | ۱۰۶۵
- هفتاورد سوم / رساله‌ی گمشده | ۱۱۱۹
- هفتاورد چهارم / رویین | ۱۱۶۷
- اردیبهشت | ۲۲۳

## یادداشت

همیشه چیزی ناگفته می ماند. و نه تنها یکی که معلوم باشد و از خاطر رفته. که افزون بر آن و بسیار و نامعلوم و به خاطر نیامده. و این به سبب سرشت ناقص متن و جداسری آن در تمکین از چارچوب ها و الگوهای تحمیلی است. نقش میانجی گر هیچ درآمد و پیش گفتاری هم نمی تواند نابسندگی متن را پنهان کند و گسست ها را به هم آورد. و من دست بر قضا همواره گمان کرده ام که ایده های ادبی در میانه ی دیالکتیک دلالت گیری و تخطی از دلالت متولد می شوند و شکل می گیرند.

پس اشاره‌ی من نه به قصد تعیین جناحی معین در استراتژی خواندن، که بیش‌تر برای پیش‌گیری از سوءتفاهم‌هایی پیشه‌ورانه و کاری است. پس تنها اشاره می‌کنم به این که آنچه می‌خوانید متنی ساختگی است و جز چند مورد، همچون درخت واک و شهرزاد و چندی دیگر که آن‌ها هم بنا به اقتضائات قصه‌تغییراتی کرده‌اند و نیز چند نام که جز اشتراک لفظی ربطی با نقش ادبی خود در متن‌های پیشین ندارند، باقی آنچه هست نه بستگی تاریخی و جغرافیایی معینی دارد و نه ربط و پیوند ادبی روشن با متون کهن. از جنبه‌ی تماتیک از ترم *ressentiment* که کسانی چون فریدریش نیچه و ماکس شلر و آلبر کامو و دیگران از آن بسیار گفته‌اند سخن به میان آمده است. هر چند که آن هم اختلافاتی آشکار با ترمینولوژی فلسفی نیچه دارد.

دیگر آن که برای نوشتن قصه‌ها ناگزیر به ساختن شکلی بودم که بتواند روند آن‌ها را چنان که بایسته است پیش ببرد. این شکل را که در هفت پاره به هم آورده‌ام هفتاورد نامیده‌ام و بر این گمان‌ام که به سبب ویژگی‌های شکلی از گونه‌هایی چون قصه به معنای قدیم و داستان به معنای امروز آن تا حدی فاصله دارد.

و همین. امید آن دارم که با این توضیحات توانسته باشم از سوءتفاهم‌ها بکاهم، هر چند در سپهر فرهنگی ما که بسیاری چیزها از اساس بر سوءتفاهم‌ها استوارند خیلی هم نباید امیدوار به چنین توضیحاتی بود.

بابک روشنی‌نژاد

بهار ۱۳۹۴

## هفتاورد نخست

# شهر آشوب